

تأملی بر تأثیرات احمد احسائی بر تاریخ سیاسی امنیتی قاجار در ربع اول قرن نوزدهم میلادی

جواد عباسی کنگوری،

گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

امیر تیمور رفیعی (نویسنده مسئول)

گروه تاریخ واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات ایران

رضا شعبانی صمغ آبادی،

گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۲۷۱-۲۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۱ - صفحه ۱۹۱-۲۱۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۰

چکیده

در دوره ای که صحنه منازعات قدرت های بزرگ اروپایی بر سر تصاحب منابع و ثروت کشورهای آسیایی و آفریقایی، ایران را نیز به محل این درگیری ها تبدیل نموده بود و با توجه به عدم احراز آمادگی های لازم ایرانیان در ورود به نبردهای نوین و هوشمندانه که شواهد مهمی بر آن چون: موفقیت مهدی علی خان در مشغول کردن فتحعلیشاه به افغانه، ماه عسل ۵ ماهه فرانسه با ایران از فین کنشتاین تا تیلست، نزاع ساختگی نمایندگان کمپانی هند و وزارت امور خارجه بریتانیا (جیمز - میتو) در مقابل فتحعلیشاه و سفر سراسر خدعه ۳۰ ماهه ابوالحسن خان ایلچی و جیمز موریه به لندن و پیشنهادات مکرر آتش بس های سراسر خدعه روسیه به ایران در تمامی دوران جنگهای دو مرحله ای اسنادی غیر قابل کتمان از بازی خوردن های مکرر ایرانیان است، در این شرایط، ورود نحله فکری جدیدی به ایران با نام شیخیه به سردمداری احمد احسائی، تأثیرات مخربی بر تاریخ سیاسی امنیتی ایران در این بازه زمانی اعم از درباریان، حوزه های علوم دینی و مردم وارد نمود در این تحقیق تلاش شد تأثیرات این جریان فکری و شخص احمد احسائی بر مولفه های مهم سیاسی امنیتی و فرهنگی کشور مد نظر قرار گیرد، البته این مقاله فقط قسمتی از رساله جامع در این راستا میباشد، هدف ایجاد حساسیت نسبت به وجود و فعالیت اتاق فکر بیگانگان در ایجاد مشکل و چالش برای کشورهای هدف مانند ایران در منطقه میباشد، امری که تاکنون مورد مذاقه قرار نگرفته است.

واژگان کلیدی: قاجار - احمد احسائی - شیخیه - بریتانیا - روسیه

در تاریخ نگاری نوین، بررسی چند جانبه تطبیقی عوامل موثر در هر مقطع زمانی برای تشخیص چگالی واقعی تأثیرگذاری آنها ارزش قابل توجهی دارد تا موضوعات را انتزاعی و مستقل از یکدیگر نبینند. ابتدای قرن نوزدهم میلادی که صحنه منازعات قدرتهای بزرگ از محدوده قاره سبز به بیرون کشیده و قلمروهای جدید و سرزمینهای مملو از منابع اقتصادی هدفگیری شدند، تمدنهای کهن مستقر در آسیا و آفریقا که عموماً مردمی صلح طلب بودند به هدفهای جدید قلع و قمع تمدن های اروپایی تبدیل شدند. ناوگان دریایی مسلح به توان آتشباری آنها حاملان پیشقراولان به ظاهر بازرگانانی شدند که جاپای آنها را در این سرزمینهای بکر و مملو از معادن و منابع ارزشمند به مرور محکم مینمود.

در این تعرضات سرزمینی قدرتی که با هوشمندی و برنامه قبلی و پشتگرم به اقدامات اطلاعاتی پنهان پا به میدان گذاشت، موفق تر بود و امروز پس از گذشت دو قرن، طرحهای توسعه طلبانه بریتانیا به مراتب ماندگار تر از رقبای سستی آن در بین اروپاییان خود را مینمایاند و به همین دلیل پیشگامی و پیشقراولی تمدن اروپایی در تسلط و تصرف سایر قاره ها را مرهون تلاشهای آشکار و پنهان بریتانیا باید دانست.

رقیب قدرتمند آنها، روسیه نیز در این تعرضات بیشتر از موضع انفعال عمل نمود و حتی در پیشرفت های فیزیکی در سرزمین های جدید، مانند قفقاز به نحوی وامدار بریتانیا در زمینه کمک رسانی های آشکار و پنهان دیپلماتیک و اطلاعاتی آنها بود والا از پس مقاومت های دلیرانه ایرانیان بخصوص پس از صدور احکام جهادیه برنمی آمد و ترفندهای انگلیسی موفق به قبولاندن قراردادهای گلستان و ترکمانچای به ایرانیان گردید.

با توجه به تأمل و دقت در ۳۰ سال ابتدای قرن نوزدهم میلادی بر حوادث پر ابتلای ایران، سایه شوم جنگ های ایران و روس، تحریک و گسترش جنگ های عموماً مذهبی با عثمانی، به هم ریختن توازن قدرت روحانیون اصولی شیعه در مشغول نمودن آنها به تفرقه جدی و نزاع با یکدیگر محقق را ناگزیر میسازد تا نسبت به تأثیرات عوامل مهم تاریخ ساز این دوره نسبت به سایر عوامل

بررسی و تحلیلی واقع بینانه و نه انتزاعی داشته باشد، محققین و تاریخ نگاران نه تنها در این دوره مشخص بلکه در اکثر دوران چند قرن اخیر تاریخ معاصر پر رمز و راز تاریخ کشورمان عموماً موضوعات را مستقل از یکدیگر مورد عنایت قرار داده اند، به عنوان مثال موضوعاتی چون: بی لیاقتی و دنیاپرستی فتحعلیشاه، رشادت و سلحشوری عباس میرزا، رقابت عباس میرزا و محمد علی میرزا، جنگهای ایران و روس، منازعات ایران و عثمانی، قدرت گیری کمپانی هند شرقی به عنوان پیشقراول ورود بلند مدت بریتانیا به منطقه، رقابت بین علمای سرشناس حوزه های علمیه ایران و عراق، ورود اندیشه جدیدی ذیل مکتب اثنی عشری با عنوان جدید شیخیه، زمینه سازیهای تدریجی بایه از طریق شیخیه در جامعه شیعی ایران و تلاشهای براندازانه ای که در کسوت و پوشش بایه به مرور در سالهای بعد سراسر کشور را فرا گرفت، هریک از این موضوعات شاید مستقلاً مورد توجه و تحلیل بوده اند اما اثرگذاریهای متقابل این عوامل با توجه به چگالی نسبی هریک نسبت به دیگر عوامل از نقاط کور شناخت واقع بینانه تاریخ معاصر ماست. در این تحقیق تلاش شده تا احمد احسائی و شیخیه جمع تأثیر گذاریها و تأثیر پذیری هایش مورد عنایت قرار گرفته و شاید برای اولین بار فارغ از نگاه سطحی، نه به منظور غیر عمیق و ساده اندیشانه بلکه نگاه تک محوری در مقابل نگاه سه بعدی به مسائل مورد کنکاش و پژوهش قرار گیرد، البته نافی نگاه تیزبین مورخین در گذشته نخواهیم بود اما معتقدیم این مقاله که قسمتی از رساله دکتری میباشد تلاشی نوآورانه است.

در روند بررسی ورود اندیشه شیخیه توسط احمد احسائی به ایران در این دوره پرهیاهو، متأسفانه نقد و تحلیل احمد احسائی فراتر از بررسی کلامی دیدگاه های او پیش نرفته و همان نیز به موضوع پر چالشی که پاسخی روشن نیافت تبدیل شد، در این مسیر درصدد هستیم احتمال برنامه ریزی شدن حرکتی که احسائی آغاز نمود را از طریق رصد اقدامات او و مواضع جانشین مشکوک او سید کاظم رشتی در رسیدن به ایستگاه بایه که چالشی ترین موضوع جهان تشیع گردید را مورد تأمل و تحقیق قرار دهیم، شاید با تکمیل تحقیقات بتوان به وجود اتاق فکرهای فرمانطقه ای و پنهانکار در شکل گیری و تولد مکاتب اندیشه ای پی برد.

احمد احسائی و عرضه نخله جدیدی در اندیشه سیاسی تشیع

شیخ احمد احسائی بنیانگذار مکتبی به نام شیخیه (۱۲۴۲-۱۱۶۶ هـ.ق) بود که در اوایل قرن سیزدهم هجری در عراق شهرت یافت و در حالیکه معماهای بدون پاسخی از آغازین مراحل زندگی او هنوز لاینحل و بدون پاسخ مانده است.

اکثر تألیفاتی که در خصوص شیخیه تا امروز انجام شده با کمترین دقت از ابهامات و بی اطلاعی های شکل گیری این جریان در پر حادثه ترین قرن حیات سیاسی اجتماعی ایران به عنوان مهد تشیع گذر کرده اند. اصلی ترین منبع مورد استفاده در معرفی شیخ احمد احسائی کتاب فرزند او عبدالله احسائی است که نسخه فارسی آن در ۱۳۱۰ هـ.ق در بمبئی از رساله عربی عبدالله احسائی تهیه و انتشار یافته است. هرچند محققین این رساله را "خود نوشته" میدانند ولی عبدالله با موضعگیری کاملاً محافظه کارانه آن را به رشته تحریر در آورده است که متأسفانه به سند اصلی تصویر سازی واحدی از زندگینامه احمد احسائی در اکثریت قریب به اتفاق منابع تاریخ « شیخیه» تبدیل شده است، محورهایی از آن مورد توجه قرار میگیرند:

معرفی او به عنوان فردی بادیه نشین که علیرغم سنی بودن عنادی با شیعیان نداشت (احسائی، ۱۳۱۰:ق:۳- ۴) و اینکه در کودکی هم اهل تدبیر و قرآن و دارای روحی متعالی و آسمانی بود و به حال مردم دنیا میگریست! (همان: ۵) با دیدن معصومین در خواب مسلط به علوم ماورایی شد و هرگاه میخواست به دیدار ائمه میرفت، آب دهان یکی از ائمه به دهان او وارد شد و علیرغم اصرار احمد به ترک این دنیا و مرگ، پیامبر از او خواست زنده بماند! (همان : ۱۱-۱۸)

در خوابی به جلسه حضرت امیر (ع) میروود و ایشان به احترام او بلند میشود، حضرت امام هادی (ع) در خواب به او فرمود ترک مردم کن و شیخ احمد از طریق ایشان اجازه ۱۲ گانه از ۱۲ امام می گیرد، در عتبات پای درس علما بصورت ناشناس میروود تا پایه و توان آنها را معلوم فرماید (همان : ۱۹-۲۳)

در کتاب اشاراتی به سفرها و ازدواج های مکرر او در عتبات و بحرین و در نهایت سفرش به همراه پسرش عبدالله به مشهد از طریق یزد مینماید. (همان: ۲۵-۳۰)

در رفت به مشهد و برگشت به یزد خانواده را که به او پیوسته بودند به بصره باز میگرداند خود و یک همسرش در یزد باقی میمانند و تبلیغ آوازه او حتی تا دربار فتحعلیشاه باعث دعوت او به دربار شد، و به تعبیر عبدالله: «فتحعلیشاه اطاعت او را واجب و مخالفینش را کافر خواند و وجود او در تهران را باعث توقف زلزله این شهر دانست.» (همان: ۳۰-۳۳)

او از شاه در تهران منزل مستقلی تقاضا کرد تا از دربار دور باشد و مراجعات مردم به او باعث تضعیف شاه نشود! در این مدت با شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه آشنا گشت و زمینه دعوت او به کرمانشاه فراهم شد (همان: ۳۵-۳۸)

عبدالله نیز مدعی خوابهای رویایی و دیدار ائمه بود که امام رضا (ع) از او خواسته با پدرش به زیارت ایشان برود و حتی برای سفر او اسبی در خواب حاضر نمودند! (همان: ۴۱-۴۶)

عبدالله از علاقه مردم یزد به شیخ زیاده گوئی ها میکند (همان: ۴۵-۴۸) و از ارتباط با عبدالله خان امین الدوله پسر محمد حسین خان صدرالدوله در یزد و حضور در منزل او، که شرح مبسوط در قسمتهای بعدی خواهد آمد.

از میزان چشمگیر حضور مردم در نمازهای جماعت شیخ در سفر اصفهان (همان: ۴۹-۵۱) و هدایای صدرالدوله، از حضور شیخ احمد در منزل عبدالله خان امین الدوله پسر محمدحسین خان صدرالدوله در یزد طی اقامت ۳ ماهه بعدی در یزد نیز مطالبی بیان میکند و اشاره به زمین هایی در کمال آباد و زمین های نیلوفر در کرمانشاه که هبه از طرف فتحعلیشاه بود (همان: ۴۹-۵۲)

شرح حال خود نوشته عبدالله فرزند احمد که معرف ادبیات تبلیغی و ترویجی شیخیگری است، در مورد مسایل بسیار مهمی چون محوریت عبدالخالق یزدی که ۶ سال شیخ احمد در منزل او در یزد بسر برد، مسئله تکفیر شیخ احمد در قزوین و نقش شیخ احمد در ایجاد درگیری بین اصولیون

و اخباریون در حوزه های علمیه و مهمترین مسئله آن دوران کشور یعنی جنگهای ایران و روس کاملاً سکوت نموده است. همچنین به تلاشهای شیخ احمد به فرقه سازی جدید بین شیعیان، تحریک اختلافات و ایجاد تفرق، سوء استفاده از موعودباوری شیعیان و توجیه توهماتش به عنوان مکاشفات ماورایی که بطور ویژه از آنها بعنوان یک عطیه الهی و نظر معصومین علیهم السلام بهره مند شده است توجیهاتی میشود :

او عرفا و حکما را کافر میخواند (چهاردهی، ۱۳۶۶ : ۱۳۶) طرفداران امروزین شیخیه به وجود عناصر مختلفی از دیدگاههای گوناگون در جهان شناسی شیخ مثل عناصری از تصوف، مکتب نوافلاطونی، اسماعیلیه، اخوان الصفا و اشراق با استعانت از محوریت حدیث و اخبار و استفاده از تأویل استناد میکنند (زارعی، ۱۳۹۳: ۵۹)، اساس اعتقادات شیخی ها بر تلفیقی از تعبیر فلسفی قدیم متأثر از شیخ اشراق بعلاوه اخبار وارد شده از خاندان پیامبر اکرم (ص) بنا شده است، او در مقابل اصولیون که از عقل استفاده میکردند، مدعی مکاشفه و ارتباط بی واسطه با معصومین گردید که نیازی به پاسخگویی در خصوص ابهامات ادعایی وی نیست (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۰: ۸۷)، خوابهای احساسی به عنوان منبعی بی پایان برای ادعاهایش با داستانهایی در خصوص ملاقات وی با ائمه علیهم السلام آغاز شد (کرین، ۱۳۴۶: ۲۰) او علم خود را دریافت مستقیم از سرچشمه معصومین معرفی میکرد که مستقیم در خواب دریافت میکرد (همان: ۲۲ و ۳۱) اینگونه بود که شیخ وحید عصر و یگانه دهر نامیده میشد که علوم را مستقیم از معدن آن برداشته است (نجفی، ۱۳۵۷: ۱۴۰) از جمله ایراداتی که منتقدین به شیخ احمد گرفته اند، بعضی عبارتند از: محدود کردن وجود امام زمان در قالب روحانی (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۳۳۷-۳۳۸) و اینکه روح حضرت در بدن هور قلبیایی بسرمیبرد (فضایی، ۱۳۵۱: ۵۳-۵۶)، غلو در مورد ائمه و قائل بودن به ربوبیت آنها (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۲۳۸) شبیه غلوی که نصارا در خصوص حضرت عیسی قائل بودند (همان: ۳۴۰-۳۴۱) و استناد شیخ به رویاهای موهوم (لیقوانی، ۱۳۶۲: ۸۵-۸۶) و وجود ابهامات و تناقضات عدیده در شرح حال و زندگی او (چهاردهی، ۱۳۶۲: ۳۲-۳۶) تصویر سازی ماورایی از شیخ احمد توسط فرزندش در شرح زندگینامه او (همان: ۸۵-۸۶) ابهامات بسیار بر منابع تأمین مالی او و ازدواجهای

مکرر وی (همان: ۱۰) قرائن متعدد از مال دوستی و کنز (نجفی، ۱۳۵۷: ۳۸)، بخصوص مسئله بهشت فروشی او به شاهزاده دولت‌شاه و صدور سند برای آن (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۳۶) اصرار شیخ به توهین و تعابیر زشت به فحول حوزه های دینی تشیع (شیرازی، ۱۳۴۵: ۲۱۷-۲۱۸) نو یسندگان معاصر متمایل به شیخیه جلوه آرای بر عقاید او نموده و معتقدند از دید شیخ ائمه علل اربعه هستی بوده و این باور از مبانی عقاید یونانی نشأت گرفته است (زارعی، ۱۳۹۳: ۲۶۰-۲۶۱) بدعت در دین و تغییر اصول مذهب و ایجاد اصل جدیدی به نام رکن رابع و نفی معاد جسمانی و حرام اعلام کردن اجتهاد و قائل شدن معصومیت و بابت برای شیخ احمد (نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۲-۱۳۳) برخلاف دیدگاه شیعیان اصول دین را به توحید، معرفت پیامبر(نبوت)، معرفت امام(امامت) و معرفت شیعه کامل تغییر دادند(کرین، ۱۳۴۶: ۸۸) که رکن رابع یا عنوان اصل چهارم از اصول شیخیه ارتباط مستقیم با مسئله نیابت امام عصر(ع) دارد و شیعه کامل یا رکن رابع مستقیم با امام زمان ارتباط دارد و از نظر عامه شیخیه شیخ احمد و سیدکاظم مصداق چنین شخصیتی بودند(کرمانی، ۱۳۵۵: ۶۴/۴) شیخیه صریحا ایشان را ناطق نایب خاص و رکن رابع نامیده اند(آل طالقانی، ۱۴۲۰ق: ۳۰۶) در این نقدها به تکبر و خودخواهی شیخ احمد که احدی را بر خود ارجح نمیدانست (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۲۴۷) نیز اشاراتی شده است که به علت عدم پاسخگویی او در قبال سئوالات مطرح شده توسط سایر علما مشهود بود.

شرح زیارت **جامعه** او بهانه قتل عام اهالی کربلا توسط عثمانی ها شد، او در بیهوده گویی، گناه شیعیان را گناه امامان دانست (نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۶۲)، او ذیل تفسیر **موضع الرساله** علت مادی تمام آفریدگان را شعاع انوار ائمه معرفی کرد، ذیل عبارت **ساسه العباد** نیز بندگان را زرخرد ائمه معرفی نمود و حتی مطرح کرد پیامبر هر زن متأهلی را بیسندد شوهرش باید او را طلاق دهد تا همسر پیامبرشود!!! در خصوص معاد با سوء تفسیر از عبارت **واجسادکم فی الاجساد** و طرح هور قلیا هم معاد جسمانی را منکر شد و هم معراج پیامبر را زیر سؤال برد! (نجاری، ۱۳۹۵: ۴۳۷-۴۶۲) او ائمه را خدایان در میان خلق دانست که روحشان در جسم سایر انسانها حلول میکند (همان: ۵۷۲-۵۷۸) با حذف عدل یکی از شاخصه های اصول مذهب هر ایرادی را متوجه خدا نمود

(همان : ۵۰۳-۶۶۷) در ضدیت با مکتب صدرا و عرفان با نشان دادن تأثیراتی از فلسفه اشراق، مشرب اخباری و تأویلی خود را تبلیغ نمود (نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۲)، احسائی علل اربعه افلاطون و ارسطو را ائمه اطهار و خود را پرچمدار اخباریگری میدانست که بر اساس قطعیت حدیث نیازی به رجال و عنوان نیست، علیرغم این ادعاها در دام هوشمندانه صاحب جواهر افتاد و حدیثی ساختگی را اصیل معرفی نمود، درگیری شدید بین اخباریون و اصولیون را به اوج رساند و جبهه بندی جدید شیخی و بالاسری را پدید آورد (افراسیابی، ۱۳۷۱: ۲۵-۲۹) آنها معتقد بودند روح امام زمان قابل انتقال از بدنی به بدن دیگر است و پس از فوت هر فرد به دیگری منتقل خواهد شد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۵: ۴۱) آنها معتقدند پیامبر شخصا قسمت هایی از قرآن را تدوین کرده است و بدن عنصری باقیمانده انسان را هور قلیایی می نامند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۵: ۴۲-۴۳) براساس تأویلهای شیخ احمد، پس از او شاگردانش فرقه های مختلف تأسیس و مردم را به جان هم انداختند (همان: ۶) این خط تفرقه که ملامحمد امین استرآبادی بنا نهاده بود توسط شیخ احمد به اوج رسید و تأثیرات مخربی بر عقاید مردم و وحدت جامعه داشت (نجاری، ۱۳۹۵: ۱۸-۳۱)

حسن نجاری پژوهشگر دینی در سالهای اخیر فهرستی از اسامی مخالفین دیدگاههای احمد احسائی و شیخیه را در کتاب خود آورده است که شامل فحول حوزوی متأخر و مراجع شناخته شده اخیر، عرفا، حکما، اصولیون و اساتید دانشگاهی هستند. (همان : ۲۵۷-۲۷۸)

احمد احسائی و اقامت شش ساله در یزد

شیخ احمدخیلی زود پس از استقرار در یزد به دربار فتحعلیشاه دعوت شد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۵: ۱۵۴) اکثر تألیفات او در یزد نگاشته شد و تبلیغات گسترده ای در تمام شهرهای شیعه نشین به نفع او شد (فضایی، ۱۳۵۱: ۲۶) باشد. ، با توجه به روحیه متکبرانه عبدالخالق که احدی را به عنوان استاد خود نام نبرده و آنچه در مورد تلمذ او نزد احمد احسائی نیز گفته شده عموماً از قلم اغیار است و نه اعتراف او، عنوان شاگردی کردن عبدالخالق نزد احسائی را هم باید در راستای داستان سازی رشد و ارتقاء احمد احسائی و به تعبیرامروزی «رزومه سازی» دانست در کنار سایر

اقدامات تبلیغی و حمایتی که نسبت به او بکار گرفته شد تا زمینه قبولاندن او بعنوان مجتهدی نام آور نزد فتحعلیشاه و دربار قاجار را فراهم سازد.

سفر او به یزد و ورود به منزل عبدالخالق با توجیهاتی ماورایی و غیر مستند گزارش شده است، دقیقاً با همان شیوه ای که سید کاظم رشتی جانشین او بعدها مدعی شد که پس از خوابهایی که دید، حضرت زهرا (س) وی را به محلی در یزد (منزل عبدالخالق، روحانی یهودی الاصل) نزد استاد و راهنمایش شیخ احمد دلالت داده است!! عبدالخالق در کسوت روحانی شیعه جدیدالاسلام متعاقباً از طرفداران پروپاقرص شیخیه و از ارکان اصلی فرقه بابیه (حروف حی) گردید و پسرش هم در قلعه طبرسی جز کشته شدگان بابیه در شورش علیه نیروهای دولتی بود.

تأثیرات احمد احسائی بر دربار قاجار

در شرایط سیاسی زمان فتحعلیشاه که نفوذ مأموران خارجی، دست اندازی روسیه، انگلیس و عثمانی به سرحدات ایران و جنگهای شدید ایران و روسیه شرایطی بسیار سخت را بر کشور تحمیل مینمود، دعوت فتحعلیشاه از شیخ احمد به دربار و پاسخگویی او به سئوالات شاه بسیار قابل تأمل است:

استفتا از کیفیت نکاح اهل جنت و اینکه آیا ایشان بیش از ۴ زن عقدی دارند یا نه، سؤال در مورد کیفیت موت و مفارقت روح و نزول در جنت مثالی، شباهت تنعم جنت با تنعم دنیایی، سؤال از مراتب نبوت و ولایت و آنچه متعلق به اینهاست (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۴۱)

استاد باستانی پاریزی در این خصوص میگوید: این است خلاصه و عصاره بعضی از سئوالات خاقان مغفور در عصری که اروپا دواسبه به سوی ترقی میتاختند، بالاخره بر من معلوم نشد که فتحعلیشاه با این سئوالات شیخ را مسخره می کرده و یا شیخ با آن جوابهایش فتحعلیشاه را؟!

با باز شدن پای شیخ احمد به دربار و حمایتی که از ناحیه میرزا آقاسی از او به عمل آمد نفوذ شیخ در ظاهر به دلیل پاسخگویی مسایل شرعی شاهزادگان و اهل دربار توسعه یافت و از سوی دیگر حضور او وزنه ای در تقابل با روحانیون اصولی محسوب گردید که تأثیرات شیخ احمد در هر دو زمینه را در بررسیهای بیشتر نسبت به سرنوشت محمدعلی میرزا دولتشاه حاکم کرمانشاه و سرگذشت خاندان برغانی و شهید ثالث باید تعقیب نمود و از تضعیف خط مقدم نبرد با روسها (عباس میرزا در سنگر تبریز) و مرگ مشکوک محمد علی میرزا دولتشاه، دو سپهسالار افتخار آفرین قاجار به سادگی عبور نکرد.

شیخ احمد مدعی بود هر زمان اراده میکرد در عالم رویا به دیدار ائمه مشرف میشد که با ورود به دربار و تأثیر پول و لقمه شاهان ایران، این حالت از او سلب شد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۵: ۱۶) البته علیرغم این ادعا اموال منقول و غیرمنقول متنوع و متعددی از شاه و شاهزادگان درخواست می نمود و تا دریافت آنها نیز از اصرار دست بر نمیداشت. بهشت فروشی، تصرف روستای کمال آباد (اصفهان) و مزارع نیلوفر (کرمانشاه) و دریافت مستمری ماهانه از دولتشاه تا پایان عمر از جمله موارد بارز این توقعات مادی است (نور محمدی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۸) «محمد علی میرزا سالیانه ۷۰۰ تومان به او مستمری میداد و در تمام طول حیات این شاهزاده با نهایت جلال و فراغت بال از او میزبانی شد» (افراسیابی، ۱۳۷۱: ۴۲)

محمد باقر نجفی مورخ مجرب بهائیت نیز به حضور شیخ احمد در کرمانشاه و دربار دولتشاه توجه و تأملی خاص داشته است. (نجفی، ۱۳۵۷: ۱۸) وی نامه های شیخ احمد به فتحعلیشاه و دولتشاه را جمع آوری نموده که عموماً بسیار سبک و مملو از بیانات متملقانه است و معتقد است او از این روش قصد نفوذ به دربار و تأثیر گذاری بر شخصیت های اصلی قاجار در تصمیم سازی های مهم این دوران را داشته است (نجفی، ۱۳۵۷: ۱۰-۱۵)

شیخ احمد پس از سفر حج و عتبات در ۱۲۳۴ ق به کرمانشاه بازگشت و مدتی بعد محمد علی میرزا دولتشاه پشت دروازه های بغداد در حالیکه میرفت تا تسلط عثمانی بر بغداد را از ریشه برکند به ناگاه بر اثر مسمومیت از دنیا رفت، مسمومیت و مرگی مشکوک و پس از آن سفر بسیار مهم شیخ

احمد به سمت خراسان و یزد از مسیر قزوین انجام و موضوع مهم تکفیر شیخ احمد در این سفر واقع شد که خود آغاز ایجاد بحران هایی جدی در بین شیعیان، مراجع و حوزه های دینی گردید. به گوشه هایی از این مقطع با ذکر مقدمه ای توجه داده میشود:

در دوران زندیه و اوایل قاجار، مناسک دینی رو به ضعف بود و هر شاهزاده ای سعی میکرد مجتهد و عالمی را به سرزمین خود بیاورد، دولت شاه هم احمد احسائی را کانون توجهات دینی در منطقه و ساخت و توسعه مراکز دینی قرار داد، این موضوع از گزارشات میرعبداللطیف خان شوشتری در کتاب تحفه العالم نیز به وضوح مشهود است (شوشتری، ۱۳۶۳: ۷۶-۱۹۱)

در این دوران نگاه شاهان تغییر یافت و تلاشهایی برای اقدامات عمرانی و حراست از استقلال کشور از خود نشان دادند. وجود دربارهای مستقل و بعضاً خود مختار شاهزادگان در نواحی گوناگون و استفاده از وزرای لایق محلی و قرار گرفتن ایران در صحنه تنازعات مهم کشورهای چون انگلیس و فرانسه و روسیه میرفت تا ایران جدیدی را شکل دهد (کشاوری، ۱۳۹۵: از صفحه «ف» تا آخر مقدمه)

دولت شاه فردی عارف و فرزانه و دارای طبعی لطیف بود وی دیوان شعری با بیش از ۴۰۰۰ بیت شعر شامل غزلیات، مثنویات، قصاید، مراثی و رباعیات داشت. او به اهل بیت عشق می ورزید و بارها برای انتقام از عوامل عثمانی لشکرکشی کرد و با قدرت مانع تراشی آنها در مسیر سفر عتبات برای زائران ایرانی را از بین برد و اگر وساطت علمای بزرگ شیعه نبود از خون عوامل عثمانی نمی گذشت، او کفن خود را ممهور به مهر مراجع شیعی نموده بود و نقش بزرگی در حفظ استقلال کشور و نواحی غربی داشت و ایلهای بزرگ مرزنشین چون کلهر، زنگنه، اردلان، شیخوند، لک و طوایف غیرتمند لر فیلی را متحد نمود و توانست پس از ۱۷۰ سال دشت وسیع زهاب را که در اشغال عثمانی بود به مام میهن باز گرداند (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۵۹ سال ۱۳۹۰: ۶۸-۷۰)

بعد از دولت‌شاه، اوضاع بر شیخ احمد خیلی سخت گذشت و وفور نعمت از میان رفت و او ناچار به ترک کرمانشاه شد. (نجفی، ۱۳۵۷: ۲۴-۲۵)

چند مسئله در خصوص تکفیر احساسی در قزوین:

برادران مشهور برغانی و ملا عبدالوهاب دارالشفائی که بعداً از عوامل اصلی و تعیین کننده نزاع اصولیون و شیخیان در قزوین و برغان شد، جملگی در عتبات به ادامه تحصیل علوم دینی مشغول بودند، با مطرح شدن عقاید شیخیه از بین برادران برغانی، ملا علی و شیخ جعفر (فرزند ملا محمد تقی) و حاج ملا عبدالوهاب دارالشفائی جانب جبهه شیخ احمد احساسی را گرفتند و این منازعات بعداً به داخل ایران کشیده شد که در نهایت به مسئله تکفیر شیخ احمد و شهادت محمد تقی برغانی (شهید ثالث) منجر گردید (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۲۷) با یک صحنه سازی مشکوک توسط ملاعلی در جلسه مناظره با آخوندی درباری به نام جدلی مازندرانی و سیلی زدن به او در حضور شاه، عصبانیت شاه منجر به تبعید برادران برغانی به عتبات میگردد (مجله حوزه شماره ۵۶ و ۵۷ سال ۱۳۷۲: ۳۸۸-۳۸۹) هرچند با خوابی که شاه دید از عقوبت آنها گذشت نمود (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۸) لیکن بالاخره با وساطت شیخ محمد حسین کاشف الغطا نزد شاه، این برادران توانستند به ایران بازگردند به شرطیکه در تهران نباشند و آنها نیز به برغان رفتند. (مجله بینات شماره ۸ زمستان ۱۳۷۴: ۲۲-۳۳)

پس از واقعه تکفیر در قزوین حمایت های دربار از احساسی بالا گرفت و علیرغم کاهش پایگاه دینی و مردمی از احساسی حکام و دست نشاندهگان شاه با استقبال و میزبانی از احساسی سعی نمودند آب رفته را به جوی بازگردانند، مانند محمد خان فرزند اسحاق حاکم تربت، علی نقی خان حاکم طبس، عبدالله خان فرزند محمد حسین خان امین الدوله اصفهانی که از عوامل قطعی انگلیس بود و خیانت هایی در زمینه به تعطیل کشاندن کارخانه توپ سازی در اصفهان و بعد ها بلواسازی علیه محمد شاه در کارنامه او دیده میشود به نحوی که حتی پس از صدور دستور تبعیدش به عتبات با اسکورت ویژه قوای انگلیس توانست جان سالم به در برد، از او عادات زشتی چون شرب خمر و حتی فساد همجنس بازی نیز گزارش شده است (نجاری، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۲۰۰)

احمد احسائی با حمایت های غیرقابل تردید به ایران وارد و با همان دست حمایت ها نیز از ایران خارج شد، همزمان با تحولات بسیار مهمی که در کشور رقم میخورد.

سید کاظم رشتی ادامه دهنده راه احسائی

از سرگذشت و بیوگرافی معماگونه سیدکاظم رشتی علیرغم شخصیت بالایی که در این مجموعه داشته و او را "سیدنبیل" می نامیدند حتی در منابع خود نوشته آنها مثل "دلیل المتحیرین" سیدکاظم و یا "هدایت الطالبین" محمدرکیم خان کرمانی نیز اطلاعات قابل اعتمادی به دست نمیآید، در جمعبندی جهت داری نیز که توسط بعضی محققین امروزی انجام شده (زارعی، ۱۳۹۳: ۱۷۵-۱۷۶) آدرس دهی هایی مستند و قابل اعتماد به دست نمی آید. او را از خانواده ای اهل مدینه معرفی کرده اند که پدر بزرگش بعد از شیوع طاعون به رشت مهاجرت کرده و در آنجا صاحب پسری به نام سیدقاسم میشود که سید کاظم ادامه نسل اوست (همان: ۱۷۵-۱۷۶) دوران طفولیت او را هم مانند شیخ احمد همراه با اندیشه و تفکر و زهدگرایی و خلوت گزینی تعریف کرده اند که با رویاهایی که میدید توسط حضرت زهرا(س) به سمت استادش شیخ احمد در شهر یزد دلالت گردید (همان: ۱۷۷-۱۷۵) اما برخی از پژوهشگران او را جاسوس نفوذی که اصلاً مسلمان نبوده معرفی کرده اند که جعل مذهب و ملیت از لوازم مأموریت او بوده است. بسیاری رهبری شیخیه پس از شیخ احمد توسط سید کاظم را از امور پر معما دانسته اند بخصوص با وجود پسران شیخ احمد و شاگردانی شایسته تر از او (فضایی، ۱۳۵۱: ۲۹-۳۰)

نورالدین چهاردهی که خانواده سیدکاظم را خوب میشناخته در مورد او مطالب قابل تأملی بیان داشته است:

«این ناچیز طی چند سال تجسس و تحقیق نتوانستم دریابم که سید رشتی پدرش چه کسی بود و در کجا می زیست و یا خواهر و برادر و عمه و خاله و دایی داشت. گویا تشکیل خانواده سید از خود وی شروع گردیده و عده قلیلی معتقدند که سید اهل شفت گیلان و عده ای او را ساکن کرد محله رشت گفته اند اما ورثه سید، املاک بسیار در قریه "یارکوسر" از توابع لنگرود دارند و معلوم

نگرید این ثروت بیکران چگونه به دست سید رشتی رسید این بی مقدار قادر به حل این معمای لاینحل نگردیدم و عکسی که منسوب به سید رشتی است مشابهتی به ایرانی بودن وی ندارد.» (چهاردهی، ۱۳۶۲: ۱۳۲). سید کاظم مورد حمایت عثمانی بود و از او تبلیغ به عمل میامد و توسل ها به خانه او میشد در حالیکه استادش با تکفیر از میدان به در شده بود، اما سیدکاظم و شاگردانش آغازگر جریانات مذهبی جدیدی شدند و علی محمد باب مدعی بابت اعلام وجود کرد، سیدکاظم منزلش در قتل عام محمد نجیب پاشا در کربلا محل بست و مأمون مردم اعلام شد. (همان: ۱۳۳-۱۳۴)

سیدکاظم پس از فوت شیخ احمد در میان شاگردان مسن و مدعی شیخی به عنوان جانشین شیخ مطرح گردید، او در جلسات درس، مذمت و فحاشی به فقهای شیعه میکرد کتاب دلیل المتحیرین او را "رساله شتمیه" نامیدند، صاحب جواهر را احمق مستضعف خطاب میکرد، او مانع اتحاد شیعیان در کربلا در زمان حملات عثمانیها به عتبات شده بود، در زمان حمله عثمانیها در ذیقعد ۱۲۵۸ توسط محمد نجیب پاشا حدود ۴۰۰۰ تن از شیعیان به شهادت رسیدند و بارگاه حضرت سیدالشهدا مورد هتک قرار گرفت و اینها در شرایطی بود که خانه سیدکاظم محل پناه مردم اعلام شده بود (نجفی، ۱۳۵۷: ۹۳-۹۸) سایر محققین نیز از مأموریت پنهان او برای سرویسهای اطلاعاتی بیگانه خبر داده اند (نور محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۲-۱۲۳) که پس از حملات عثمانی ها، سیدکاظم ابتدا به کاظمین و سامرا و سپس با دعوت نجیب پاشا والی بغداد نزد او رفت (زارعی، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۸)

مطرح شدن سیدکاظم به عنوان رهبر شیخیه پس از شیخ احمد احسائی

سید کاظم مورد توجه خاص شیخ احمد بود و در مورد او می گفت: «ولدی کاظم یفهم و غیره لایفهم» (چهاردهی، ۱۳۶۲: ۲۷)، شیخ احمد به هنگام عزیمت به مکه سید کاظم را به عنوان جانشین خود گماشت و زمام امور شیخیان را به او سپرد در حالیکه پسران شیخ احمد ظاهراً لایق تر از او بودند و این جوان کمتر از ۳۰ سال رهبر شیخیان شد (فضایی، ۱۳۵۱: ۳۰) و با تدریس شرح زیارت

جامعه شیخ احمد جنجالی ترین مضامین علیه اهل سنت را بیان و بر آنها اصرار داشت، او ۱۷ سال در خارج از ایران به عنوان رکن رابع مرجع شیخیان بود. (همان: ۳۰-۳۱)

بعد از مسئله تکفیر شیخ احمد احسائی که شرح مبسوطی دارد، توجه علما و مردم به سمت سید کاظم عرصه را بر او تنگ کرد و او در جلسه مناظره با علما به دروغ و نفاق به تکفیر شیخ احمد رأی داد و او را با گرگانی که به لباس میش در آمده اند مقایسه کرد البته مدتی بعد شروع به توهین و مشاجره با علمای شیعه نمود و باعث تشنج اوضاع در کربلا در آستانه حمله عثمانی ها به عتبات شد (تنکابنی، ۱۳۸۹: ۵۱-۶۸)

غلو و زیاده گویی در مورد ائمه را سیدکاظم بی باکانه ادامه میداد حتی با جسارتی بیشتر از شیخ احمد، او حتی کوچه های آسمان را نامگذاری نمود و تخیلات عجیبی را به خورد جامعه داد. (فضایی، ۱۳۵۱: ۳۱)

بارزترین تعالیم سید کاظم در دروس خود اعلام نزدیکی ظهور امام غایب بود و آنقدر تبلیغ قرب ظهور کرده بود که همه منتظر بودند تا در اوج افزایش فساد، حضرت ولی عصر بیایند و جهان را پر از عدل کنند همین مطالب انتظارات را بالا برده و زمینه سوء استفاده امثال علی محمد باب و ادعای مهدویت شد (اعتضادالسلطنه، ۱۳۵۱: ۱۱۱) سیدکاظم رسماً میگفت پس از من امام غایب آشکار می شود و احتیاجی به تعیین جانشین نیست (نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۲۱) شاگردان سید کاظم دیوانه وار دنبال امام غایب بودند مثل ملاحسین بشرویه (افراسیابی، ۱۳۷۱: ۱۱) و اولین شخصی که به علی محمد باب ایمان آورد و برای او خیلی تبلیغ کرد ملاحسین بشرویه شاگرد برجسته سید کاظم رشتی بود و بسیاری از شیخیان را بابتی نمود تمام حواریون باب هر ۱۸ نفر از پیروان سیدکاظم رشتی بودند (نورمحمدی، ۱۳۹۴: ۱۹۵ و ۲۰۱) حواریون باب که به حی مشهورند (ح: ۸ و ی: ۱۰) هجده نفر و با احتساب خود علی محمد باب ۱۹ نفر بودند که ۱۹ عدد نفوس مقدس نزد بابیان است (همان: ۱۴۲) سیدکاظم، زرین تاج برغانی دختر و عروس برادران

برغانی را روح الفواد و قره العین نامید و با یارگیری در این خاندان بلوا و نزاعی خونین بنا گذاشت، بعدها باب نیز او را ظاهره نامید و اقداماتش را تأیید نمود (همان: ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵-۲۸)

سید کاظم عموماً در کلاسهایش می گفت: امام زمان در میان شماست (نجاری، ۱۳۹۵: ۳۳۲)، به شاگردان می گفت شیعیان کافرند مخالفان شیخیه از کفار قشون یزید بدترند (همان: ۳۳۳) اکثر گروندگان به باب از اصحاب سیدکاظم بودند (همان: ۳۳۴)، افراطی ترین بابی ها از شاگردان کلاسهای سیدکاظم بودند: ملا حسین بشرویه، ملا محمد علی بارفروش، ملا علی بسطامی، زرین تاج برغانی و این کلاس ها مرکز پرورش تروریست ها و آشوبگران قرن سیزدهم هجری بود. (همان: ۳۳۶-۳۴۳)

پس از سید کاظم قویترین جریان ادامه دهنده این مسیر ریل گذاری شده علی محمد باب و پیروان او بودند و شاگرد دیگر او حاج محمد کریمخان قاجار پسر ظهیر الدوله پسر عمو و داماد فتحعلیشاه و حکمران کرمان و بلوچستان نیز جریان مستقل شیخیه را ادامه داد (بامداد، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۳۸-۱۳۷)

احمد احساسی در قطب نمای حوادث مهم دوران و چگالی تأثیر گذاری او بر حوادث

بسیاری از تاریخ نگاران بر ضرورت بررسی چند جانبه تطبیقی وقایع تأکید دارند تا چگالی واقعی حوادث تاریخی مشخص شود، ابتدای قرن نوزدهم میلادی که منازعات قدرتهای بزرگ نظامی اروپایی صحنه نبرد خود را به بیرون از قاره کوچک اروپا و به سرزمینهای جدیدی که دارای منابعی عظیم و سرشار بودند کشاند و تمدنهای کهن مستقر در آفریقا و آسیا نیز عمدتاً مردمی صلح طلب و فاقد امکانات رزمی نوین بودند لذا گروه گروه پیشقراولان بازرگان نمای این قدرت ها با حمایت گسترده کشتی های جنگی به این مناطق جدید گسیل شدند.

منازعات از سطح اروپا بیش از قبل به آفریقا و آسیا کشانده شد، سرزمینهای منحصر به فردی از لحاظ منابع لایزال در آسیا و هند سهل الوصول تر از بقیه می نمودند لذا حرص و ولع رو به تزايد قدرتهای غربی در تسخیر سریع این سرزمینها خیلی زود و خشن رخ نمایان کرد. دو قدرت بزرگ

منطقه ای، ایران شیعی و عثمانی سنی با پتانسیل های رقابتی قابل تحریک نسبت به یکدیگر، خیلی زود در دستورکار سازمانهای اطلاعاتی، دیپلماتیک و بازرگانی قدرتهای موفقتری چون فرانسه و انگلیس قرار گرفته، رقیب سنتی و سرسخت آنها یعنی روسیه نیز در این تعاملات هر از گاهی درون سنگرهای اروپایی جابجا می شد "هند" لقمه ای چرب و شیرین و فاقد توان مقابله جدی بود و ایران با گستره سرزمینی (دریایی و زمینی) قابل توجه چون دیواری در این مسیر بود. طبیعتاً تدوین استراتژی تصرف منابع مهم هند مستقل از طراحی های تاکتیکی و استراتژیکی معطوف به ایران و تا حدی عثمانی نمی توانست محقق شود. از این منظر به بروز و ظهور حوادث مهم نیمه اول آغازین قرن نوزدهم نمی توان بدون دیدی همه جانبه به تحلیل و شناختی واقع بینانه رسید، از آن جمله مسئله طلوع و ظهور مکاتب اندیشه ای از نوع شیخیه و شخص شیخ احمد احسائی و تأثیراتش بر حوادث در این دوره سی ساله (۱۸۰۰-۱۸۳۰ میلادی) (۱۲۱۵-۱۲۴۵ قمری) توجه گردید، حساسیتی که از این منظر کمتر مورد توجه قرار گرفته است، توجه به وقایع این سالهای مهم و کنار هم قرار دادن آنها حکایت از طراحی هوشمندانه ای در معماری تاریخ سیاسی امنیتی منطقه و ایران دارد:

۱۸۰۰ میلادی مطابق با ۱۲۱۵ قمری: با مستحکم تر شدن ریشه های کمپانی هند شرقی و اولویت بندی دستگاه دیپلماسی و اطلاعاتی بریتانیا، با اعزام مهدی علی خان نماینده آن کمپانی به دربار فتحعلیشاه و تحریک فتحعلیشاه به سرکوب "زمان شاه" که او نیز خود قبلاً تحریک به ادعای اراضی نسبت به خراسان نموده بود! این مانع جدی انگلیسی ها با هزینه و توان ایران از میان برداشته شد (زرگری نژاد، ۱۳۹۷، ج ۲: ۱۶) و همزمان نیروهای انگلیسی با حذف تیپو سلطان یکی از مهمترین موانع جدی شان در تسلط بر هند را از میان برداشتند، در این سال سرجان مالکوم را به ایران فرستادند چون با اتحاد ناپلئون با روسیه وحشت بریتانیایی ها از متمایل شدن این دو قدرت اروپایی به سمت هند (از مسیر مساعدهای ایران) بسیار جدی شده بود، الحاق گرجستان به روسیه نیز زخم قابل تحریک ایرانیان بود که سفر مالکوم به ایران که به انعقاد عهدنامه بیشتر نمایشی مالکوم - کلانتر نیز منجر شد تمام این اهداف را توأمان مد نظر داشت. (محمود، ۱۳۶۲ ج ۱: ۳۱)

۱۸۰۰: طی توطئه ای انگلیسی امپراطور پل کشته و پسرش الکساندر جانشین او شد، روابط صمیمانه روسیه با فرانسه به سردی گرایید و در عوض انگلیس مورد توجه قرار گرفت به نحوی که تمام دریانوردان اسیر انگلیسی توسط الکساندر آزاد شدند (همان: ۴۵) در همین سال وهابیون کینه توز به کربلا حمله کردند.

۱۸۰۲: انگلیسی ها از سفر فرستاده ناپلئون به ایران مطلع شده و ایران را تحریک به ادامه جنگ با روسها نمودند (همان: ۴۷)

۱۸۰۴: در شرایطی که فتحعلیشاه مشغول سرکوب خوانین خراسان و فرزندان نادر بود و عباس میرزا نیز در پی تنبیه تراکمه متجاوز، روسها به قفقاز حمله کردند و دوره اول جنگهای ایران و روس آغاز شد (همانجا) و (زرگری نژاد، ۱۳۹۷: ۴۷)

۱۸۰۵: پیام ناپلئون توسط رابط او برای فتحعلیشاه با پیشنهاد اتحاد با ایران و اعزام نماینده به دربار ناپلئون علنی شد (کشاوری، ۱۳۹۵: مقدمه کتاب صفحات ص ث ج چ) سردار روس سیسانوف در نبرد با قوای ایرانی کشته شد (زرگری نژاد، ۱۳۹۷: ۶۸-۷)

۱۸۰۶: سفر شیخ احمد احسائی بعد از ازدواج دومش در بحرین به سمت ایران آغاز می شود (ورود این فرد به سپهر سیاسی اجتماعی ایران)

۱۸۰۶: در همین سال محمد علی میرزا دولتشاه شاهزاده دوم (از لحاظ اقتدار سیاسی پس از عباس میرزا) حکم ولایات غرب کشور را می گیرد در حالیکه طی سه سال بعدی به همراه عباس میرزا درگیر جنگ با روسها می باشد (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۳۸-۳۳۹)

۱۸۰۶: وهابیون در قطیف و احساء مسلط میشوند و شیخ احمد احسائی به این بهانه از طریق مسیر کربلا به ایران می آید، در حالیکه ۵۵ سال از عمر او گذشته است (احسائی، ۱۳۱۰ ق: ۲۵ - ۳۰)

۱۸۰۷: در این سال قوای ایران دست بالا را در جنگهای قفقاز پیدا کرده و توانست نیروهای گودویچ روسی را شکست دهد (زرگری نژاد، ۱۳۹۷: ۱۰۶) و گاردان دستور عزیمت به ایران را دریافت می کند (محمود، ۱۳۶۲ ج ۱: ۷۰)

عباس میرزا به یوسف پاشا پیغام می دهد که نیروهایش را در درگیری با روسها خسته نکند تا به اتفاق علیه روسها وارد عمل شوند (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۷۱)

۱۸۰۷: ناپلئون که در جنگ با روسها خواستار اعمال فشار در آسیا به روسها بود پیشنهاداتی به ایران داد، هیئتی ویژه به سرپرستی ژنرال گاردان آجودان ویژه ناپلئون راهی ایران شد تا قشون و نیروهای ایرانی را آموزش و به سلاحهای روز مسلح نماید (محمود، ۱۳۶۲ ج ۱: ۷۰) و (زرگری نژاد، ۱۳۹۷ ج ۲: ۸۲)

نماینده اعزامی ایران در **فینکنشتاین** با ناپلئون قرار داد اتحاد نظامی را در این سال به امضا رساند (همان: ۹۲) در حالیکه با شکست روسها توسط ناپلئون و انعقاد قرار داد **تیلسیت** بین روس و فرانسه عمر قرار داد ۵ ماهه فینکنشتاین به پایان رسید! و گاردان در ادامه حضور در ایران به وقت کشی و تلاش برای پذیرش پیشنهاد مکارانه صلح توسط روسها به مقامات ایرانی پرداخت (همان: ۹۹ - ۱۰۳) و (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۶۷ - ۵۶۹)

۱۸۰۷: **روسها مرتب توسط گاردان پیشنهاد مذاکرات صلح میدادند** در حالیکه اگر صادق بودند کافی بود قفقاز را تخلیه کنند، نماینده ایران میرزا عیسی قائم مقام با تندی با گاردان برخورد کرد و پایبندی روسها به صلح را زیر سؤال برد که گاردان نوشته ای در تأیید پایبندی روسها به صلح داد در حالیکه روسها همزمان از نواحی ایروان و نخجوان به نیروهای ایرانی حمله کردند، همزمان نماینده اعزامی ایران (عسکرخان افشار ارومی) به فرانسه توسط ناپلئون مورد پذیرش قرار نگرفت و مسئول فرانسوی آموزش قوای ایران را معوق نمود روابط حسنه ادعایی فرانسه با ایران دوامی بیش از ۵ ماه نداشت (محمود، ۱۳۶۲ ج ۱: ۷۷-۷۸) و (زرگری نژاد، ۱۳۹۷ ج ۲: ۱۰۴ - ۱۱۰)

۱۸۰۸: شیخ احمد خانواده خود را به یزد منتقل کرده و نزد عبدالخالق یزدی مستقر می شود طی سالهای حضور در یزد اکثراً تألیفاتش را تکمیل می نماید، به واسطه ابراهیم خان ظهیرالدوله پسرعمو و داماد فتحعلیشاه (والی خراسان و کرمان) و حمایت هایی که توسط میرزا آقاسی از او میشد به دربار فتحعلیشاه راه پیدا کرد با ورود او به دربار، سئوالات فتحعلیشاه که از او پرسیده و پاسخهای شیخ احمد احساسی به آنها آنهم در اوج درگیریهای نظامی و سیاسی قوای ایرانی در قفقاز بسیار قابل تأمل هستند: چگونگی نکاح اهل بهشت، حالات پس از مرگ و ... مجموعه این استفتائات بعداً به نام رساله خاقانیه مشهور شد (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۴۱)

در همین دوران پایه آشنایی احمد احساسی با شاهزاده دلیر ایرانی محمد علی میرزا دولتشاه حاکم غرب نهاده شد که منجر به دعوت شیخ احمد به کرمانشاه و اقامت اولیه ۵ ساله او نزد دولتشاه شد، جمعا حدود ۱۰ سال احمد احساسی به دربار دولتشاه رفت و آمد و نفوذ داشت (زارعی، ۱۳۹۳: ۲۰)

۱۸۰۸: فتحعلیشاه که قبلاً به سرجان ملکم به دلیل عدم پایبندی به معاهدات قبلی اجازه ورود به ایران نداده بود به سرهار فورد جونز سفیر فوق العاده لندن اجازه ورود به کشور و دربار ایران را صادر کرد تا بتواند روی کمک های انگلیس در جنگ با روسها حساب باز کند (محمود، ۱۳۶۲: ج ۱: ۸۸)

۱۸۰۸: در اواخر نوامبر میرزا عسکرخان ارومی سفیر ویژه ایران در دربار ناپلئون، به عنوان اولین ماسون ایرانی در یک لژ اسکاتلندی در فرانسه مورد پذیرش فراماسونری قرار گرفت، او مأمور ویژه عباس میرزا برای دریافت کمک های تسلیحاتی از فرانسه بود!!

۱۸۰۹: قرارداد مجمل بین ایران و انگلیس منعقد شد در حالیکه مملو از تفسیر و تأویل هایی به نفع انگلیسی ها بود و به همان بهانه ها به هیچکدام از تعهداتشان عمل نکردند (حمایت از تجهیز قشون ایران) انگلیسی ها به بهانه اختلاف نمایندگان خود در کمپانی هند شرقی و لندن (جونز و میتو) این قرارداد را معطل به استعلام از لندن نمودند و جیمز موریه به همراه ابوالحسن ایلچی به

خدعه انگلیسی ها لباس توجیه پوشانده و سفری ۳۰ ماهه را به انگلیس طراحی و اجرا نمودند و تمام این مدت فشار روسها بر ایران ادامه داشت و هیچ حمایتی نیز از ناحیه انگلیسی ها در این نبرد از ایران به عمل نیامد این سفر و شرح آنچه در آن گذشت **تحقیری غیرقابل جبران بر دیپلماسی ایران بود** (زرگری نژاد، ۱۳۹۷ ج ۲: ۱۳۶-۱۵۱)

شکست گوودویچ از قوای ایرانی باعث اعزام نمایندگانی از ناحیه آنها به تهران و تبریز شد، همراهی عباس میرزا و دولت‌شاه در هجوم به روسها در دست بالا شدن ایران در منازعات بسیار مؤثر بود (مفتون دنلی، ۱۳۸۳: ۳۱۱-۳۲۰)

۱۸۱۰: **شیخ احمد همچنان در یزد و نزد عبدالخالق یزدی بسر میبرد و ارتباط با دربار را حفظ کرده بود.**

میرزا بزرگ نماینده ایران در مذاکرات صلح با روسها شد قرار ملاقات در عسکران برای گفتگوهای صلح گذاشته شده بود که روسها خدعه کردند و مجدداً به **هجوم ناگهانی** مبادرت ورزیدند (زرگری نژاد، ۱۳۹۷ ج ۲: ۱۷۳-۱۷۵)

۱۸۱۱: **سی ماه بلاتکلیفی سپاه ایرانی در نوامبر ۱۸۱۱ ظاهراً به پایان رسید و جیمز موریه و میرزا ابوالحسن ایلچی با برگشت به کشور به سفر سراسر خدعه پایان دادند** (همان: ۱۳۶-۱۵۱) و (محمود، ۱۳۶۲ ج ۱: ۱۲۴-۱۳۵)

۱۸۱۲: **گوزلی دیپلمات ارشد انگلیسی در پایان این مدت بلاتکلیفی (۳۰ ماهه) به دربار ایران وارد شد جیمز موریه را به بهانه رایزنیهای صلح به اردوگاه عباس میرزا فرستاد در حالیکه بعداً مشخص شد تمام اطلاعات جمع آوری شده توسط او به فرماندهان روسی منتقل شده است** (همان: ۱۶۳-۱۶۸)

۱۸۱۳: **عهدنامه مفصل** با ورود سرگوراولی با ایران منعقد شد که آن نیز فایده عملیاتی و اجرایی نداشت اینها مقدماتی شد که بهانه شکست اصلاندوز (زرگری نژاد، ۱۳۹۷ ج ۲: ۲۰۶ - ۲۱۸) که کاملاً قابل ترمیم و جبران بود و با خدعه اولیه عنوان آتش بس، **عهدنامه گلستان** را برای همیشه به ایران تحمیل نماید (همان: ۲۳۲- ۲۴۲) و (محمود، ۱۳۶۲ ج ۱ ک ۱۷۴- ۱۸۰)

در همین سال برادران برغانی با زیرسئوال بردن سیاستهای فتحعلیشاه در جنگ و برخوردی چالشی که در حضور شاه داشتند که شاید برنامه ریزی شده بود از چشم شاه افتاده و دستور تبعید هر سه برادر از تهران صادر شد. (مجله حوزه شماره ۵۶ و ۵۷ سال ۱۳۷۲: ۳۸۸ - ۳۹۸) و (مجله بینات شماره ۸ زمستان ۱۳۷۴: ۲۲ - ۳۲)

۱۸۱۴: معاهده میرزا شفیع مازندرانی صدراعظم با انگلیسی ها منعقد می گردد، درست یکسال پس از معاهده گلستان آن هم در نهایت خفت (محمود، ۱۳۶۲ ج ۱: ۱۹۸ - ۲۰۳) شیخ احمد احساسی به دعوت محمد علی میرزا دولتشاه پس از ۵ سال اقامت در یزد نزد عبدالخالق یزدی به کرمانشاه می رود و **آغاز اقامت ۵ ساله او نزد دولتشاه** می شود، بهشت فروشی با مهر و امضای سند و دریافت مستمری سالیانه از دولتشاه نیز از عواید مادی این حضور است. نزدیکی شیخ احمد به این شاهزاده دلیر بسیار قابل تأمل است (نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۶- ۳۸) و (افراسیابی، ۱۳۷۱: ۴۴)

۱۸۱۷: شیخ احمد به بهانه سفر حج از کشور خارج میشود (زارعی، ۱۳۹۳: ۲۰)

۱۸۱۹: شیخ احمد مجدداً به ایران برگشته و مستقیم به دربار دولتشاه در کرمانشاه می رود (همانجا) خبر جمع آوری قشون و آمادگی دولتشاه برای انتقام گیری از عوامل جنایتکار عثمانی که راه بر زائران عتبات و اتباع ایرانی بسته اند فراگیر شده است، **لشکر کشی دولتشاه به سمت بغداد طوفانی به پا میکند** و تا برکناری پاشای مستقر در بغداد پیش می رود تا بغداد را به قلمروی سرزمینی ایران منضم نماید، تمام این مدت شیخ احمد احساسی در نزدیکترین موقعیت به این شاهزاده دلاور بوده است (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۵۶- ۳۵۸)

در پشت دروازه های بغداد به ناگاه دولت‌شاه گرفتار بیماری شدید گوارشی میشود به نحوی که مجبور به بازگشت می شود و در مسیر بازگشت فوت می نماید! فوتی مشکوک و پر از رمز و راز (همان: ۴۸۱)

۱۸۱۹: در شعبان ۱۲۴۴، قتل مشکوک گریبایدوف در تهران نیز صورت میگیرد صورت مسئله تهییج مردم غیور در موضوع اسائه ادب به زنان گرجی مسلمان عنوان شده است اما این واقعه می توانست به نقطه تحریک جدیدی بین ایران و روسیه تبدیل شود و ایران را درگیر جنگهایی جدید نماید. محققین در طراحی و اجرای این توطئه توسط انگلیسی ها به سرخ هایی رسیده اند، از آن جمله نیکیتا میخولکوف، رئیس اتحادیه سینماتوگرافی روسیه و کارگردان مشهور در مسیر ساخت فیلمی در مورد قتل گریبایدوف بر مبنای اسناد مهمی از آرشیو وزارت امور خارجه روسیه مدعی شده که قتل گریبایدوف نه توسط مسلمانان خشمگین بلکه توسط عوامل انگلیس به اجرا در آمده است (خبرگزاری برنا، ۲۵ بهمن ۱۳۹۴ کد خبر ۳۷۳۱۳۴)

۱۸۲۲: شیخ احمد احسائی پس از فوت دولت‌شاه به این بهانه که دیگر از او پذیرایی نمیشود! به سمت مشهد آهنگ سفر مینماید، اما از مسیر قزوین و موضوع تکفیر او توسط محمد تقی برغانی مطرح میشود، باز او به یزد و منزل عبدالخالق یزدی سفر میکند! در یزد از او استقبال نمیشود ۳ ماه آنجا می ماند اما مجبور به ترک یزد می شود. حاج احمد کریمخانی مدعی است شیخ احمد در خواب حضرت امیر (ع) را دیده که دستور به ترک یزد به شیخ داده است (نجاری، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

۱۸۲۲ و ۱۸۲۳: سال انعقاد ارزنه الروم اول یا آتش بس بین نیروهای ایران و عثمانی (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۵۸۷-۵۹۰) و (محمود، ۱۳۶۲ ج ۲: ۲۶۱)

عثمانی نیز در این سال مانند ایران با امضاء عهدنامه بخارست با روسیه تن به تعهدات نامعقولی میدهد. در این سال مقارن با ۱۲۳۷ قمری واقعه تکفیر شیخ احمد احسائی در سفر به قزوین رخ میدهد که نقطه عطف جدی طرد شیخ احمد توسط روحانیون سرشناس و حوزه های علمیه می گردد (نجاری، ۱۳۹۵: ۱۵۸-۱۶۶)

۱۸۲۶: عتبات و حوزه ها در عراق مورد حمله عثمانی ها قرار میگیرند و علت اصلی حمله نیز پخش شرح زیارت جامعه او که حاوی زشت ترین تعبیر به مقدسات اهل سنت بوده میباشد. با مشتعل شدن آتش این فتنه شیخ احمد بلافاصله عراق را ترک و به سمت مدینه میرود و بعد هم خبر فوت او منتشر می گردد (نجاری، ۱۳۹۵: ۲۱۳)

۱۸۲۶: آغاز دوره دوم جنگهای ایران و روس (محمود، ۱۳۶۲ ج ۲: ۲۶۶-۲۶۸). ایران همزمان با روسیه و عثمانی درگیر منازعات جدی نظامی و درگیر جنگهای دیپلماتیک و اطلاعاتی با بریتانیا میباشد.

۱۸۲۷: پخش خبر فوت شیخ احمد در ۷۵ سالگی در حوالی مدینه و آغاز فعالیت سید کاظم رشتی به عنوان جانشین او و آغاز فتنه های دینی جدید (زارعی، ۱۳۹۳: ۲۱) و (افراسیابی، ۱۳۷۴: ۴۸-۵۰)

۱۸۲۸: معاهده ننگین ترکمان چای و پایان جنگهای دوره دوم ایران و روس (مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۶۰۰-۵۹۱)

نتیجه گیری:

رصد وقایع مهم سیاسی و عموماً مهندسی شده این دوره حساس (ربع اول قرن ۱۹ میلادی) بخصوص توجه به ورود احمد احسائی در ۱۸۰۶ و خروج او از ایران در ۱۸۲۶ به عنوان سرزمین بزرگ اسلامی و شیعی و تلاشهایی که با ورود اندیشه وهابیت اندکی قبل در حجاز شکل گرفته بود ما را بیش از قبل نسبت به دقت و تأمل بر این تحولات حساس مینماید.

در این پژوهش تلاش شد، مخاطبین فراتر از نقد و تحلیل مستقل پدیده ها و عوامل موثر تاریخی، به چگالی اثرگذار هر عامل بر دیگر عوامل و اثرپذیری های متقابل، توأمان مورد توجه قرار گیرند و همچنین به وجود و چگونگی فعالیت اتاق فکرهای بیگانه که سابقه اطلاعاتی و دیپلماتیک آنها در شکل دهی به ماهیت استعمار نو سابقه ای بسیار طولانی تر از دیپلماسی

مملو از تسامح و تساهل ایرانی داشته و دارند، توجه داده شود، روشی که به شدت در تحلیل تاریخ معاصر از سه قرن پیش تاکنون به آن نیازمندیم.

تمرکز در موضوع شیخیه و احمد احسائی در این مقاله با اهداف فوق مد نظر قرار گرفت، با توجه به وجود قرائن عدیده در خصوص فعال شدن کانون های قدرتمند و تأثیرگذار پنهانکار فراسرزمینی در سپهر سیاسی ایران و دول منطقه در این بازه تاریخی با برنامه ای از پیش تعیین شده که به بعضی نمونه های آن اشاراتی رفت، می توان نتیجه گیری نمود که ورود احمد احسائی و اندیشه او به کشور نیز تابع برنامه ریزی هوشمندانه و از پیش طراحی شده ای میتواند باشد و جا دارد ادامه تحقیقات تکمیلی در مسیر مسجل نمودن این تحلیل در دستورکار پژوهشگران تاریخ قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. آل طالقانی، السید محمد حسن (۱۴۲۰ ق)، الشیخیه، نشأتها و تطورها و مصادر دراستها، الطبعة الاولى، بیروت: الآمال للمطبوعات.
۲. احسائی، عبدالله بن احمد (۱۳۱۰ ق) / احمد احسائی. بمبئی، بی نا
۳. افراسیابی، بهرام (۱۳۷۱)، تاریخ جامع بهائیت (نوماسونی)، تهران: انتشارات سخن.
۴. اعتضادالسلطنه (۱۳۵۱)، فتنه باب. اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات بابک.
۵. بامداد، مهدی (۱۳۸۷)، شرح حال رجال ایران، ۵ جلد، تهران: انتشارات زوار.
۶. بی نا (۱۳۷۲)، «ولایت فقیه از دیدگاه شهید ثالث» مجله حوزه، شماره های ۵۶ و ۵۷
۷. تنکابنی، محمد سلیمان (۱۳۸۹)، قصص العلماء، تهران: نشر علمی فرهنگی.
۸. چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۲)، از احساء تا کرمان، تهران: چاپ گوتنبرگ.
۹. چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۶)، بهائیت چگونه پدید آمد، تهران: انتشارات فتحی.
۱۰. حاتمی، حسین (۱۳۹۰)، پیامدهای جنگ و صلح در ایران دوره قاجار» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۵۹
۱۱. خالصی زاده، محمد (۱۹۵۱ م)، خرافات شیخیه، بی جا.

۱۲. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷)، فرهنگ و فرق مذاهب کلامی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۳. زارعی، جلال (۱۳۹۳)، پژوهشی در آثار و افکار شیخیه، تهران: نشر ترفند.
۱۴. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۸۰)، بهائیت در ایران، چاپ اول، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۵. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۵)، تاریخ قاجار ج ۱، تهران: سمت.
۱۶. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۷)، تاریخ قاجار ج ۲، تهران: مرکز علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد.
۱۷. شوشتری، میر عبداللطیف خان (۱۳۶۳)، تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران: چاپ گلشن
۱۸. شهیدی صالحی، عبدالحسین (۱۳۷۴)، «شرح حال مفسر بزرگ شیخ محمد صالح برغانی»، مجله بینات، شماره ۸ (۲۲-۳۳)
۱۹. شیرازی، محمد معصوم (۱۳۴۵)، طرائق الحداثی ج ۳، تهران: کتابفروشی بارانی.
۲۰. فضایی، یوسف (۱۳۵۱)، بایبگیری، بهائیکری و کسروی گرایی، تهران: مطبوعاتی فرخ.
۲۱. کشاورز، اردشیر (۱۳۹۵)، زندگی و زمانه محمد علی میرزا دولتشاه، کرمانشاه: موسسه هورام.
۲۲. کرین، هانری (۱۳۴۶)، مکتب شیخی از حکمت الاهی شیعی، ترجمه: فریدون بهمنیار، پاریس: دانشگاه سوربن.
۲۳. کرمانی، محمد کریم خان بن ابراهیم (۱۳۵۵)، ارشاد العوام، چاپ سوم، کرمان: سعادت.
۲۴. کشاورز، اردشیر (۱۳۹۵)، زندگی و زمانه محمد علی میرزا دولتشاه، کرمانشاه: موسسه هورام.
۲۵. لبقوانی، الف-خ (۱۳۶۲)، این است شیخیکری، باختران: کتابخانه ولی عصر، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۶. محمود، محمود (۱۳۶۲)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج ۱ و ج ۲، تهران: اقبال و شرکاء.
۲۷. مدرسی چهار دهی، مرتضی (۱۳۴۵)، شیخیکری و بایبگیری، تهران: فروغی.

۲۸. مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر السلطانیه، تصحیح و تحشیه غلامرضا زرگری نژاد، تهران: روزنامه ایران.*

۲۹. نجاری، محمد حسن (۱۳۹۵)، *شیخیه نقطه آغازین انحراف، تهران: چاپ و نشر بین الملل.*

۳۰. نجفی، محمد باقر (۱۳۵۷)، *بهائیان، تهران: شرکت افست .*

۳۱. نور محمدی مهدی (۱۳۹۴)، *قره العین، تهران: انتشارات علمی.*

۳۲. نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۳)، *شیخیه و بابیه در ایران، تهران: انتشارات نگاه .*